

سندج، بوکان، بانه، سقز، کامیاران و کرمانشاه به اعتصاب عمومی رانندگان و کامیونداران پیوستند!

صفحه ۲

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران



اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران

اعتصابات سراسری گسترش می یابد

در مورد اعتصاب عمومی رانندگان و کامیونداران

بجای نجات حکومت اسلامی، به فکر نجات خود از خشم مردم باشید!

جلوگیری از برگزاری مراسم کانون نویسندگان را محکوم میکنیم

صفحه ۳

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۴

عزیزه لطف الهی

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نودینیان

مبارزه علیه بیکاری در کردستان با ادامه اعتراضات چند ماه گذشته کار ساز است!

نسان نودینیان

بیکاری میلیونی در سطح سراسری مهمترین چالش اصلی بوده است. دولت روحانی با شعار اشتغال زدایی و کار آمد، اما ناتوانتر از دولتهای قبلی بر میزان بیکاری افزوده شد. فقر و پایین بودن درآمدها دامنه عواقب بیکاری را بیشتر و عمیقتر کرد.

نداشتن بیمه بیکاری، بالابودن نرخ خرید سبد معیشت روزانه، ناامنی دارویی و پزشکی و بالا بودن نرخ اجاره مسکن و ده ها مساله و مشکل مالی و اقتصادی فقر و نداری را در عمیق ترین شکل به کارگران و جوانان بیکار و مزدبگیران جامعه

تحمیل کرده است. در بطن این شرایط نا امن معیشتی و اقتصادی روی آوری به دست فروشی و کولبری در چند سال گذشته بیشتر و بیشتر شده است.

بیکاری هزاران نفر از کارگران و جوانان چالش اصلی در کردستان است. بیکاری در شهرهای کردستان بیداد میکند. اکثریت بالایی از جوانان تحصیلکرده فاقد موقعیت شغلی هستند. به جمعیت کارگران اخراج شده و بیکار افزوده میشوند.

در شهرهای کردستان اعتراض و مبارزه علیه بیکاری دائما وجود داشته است. در ۲۶ فروردین ماه امسال اعتصابات سراسری در شهرهای بانه، جوانرود، سقز، سردشت، پیرانشهر و میوان علیه بستن مرزها شروع شد. اعتصاب در

صفحه ۲

کارگران و جوانان بیکار با مبارزه ای پیگیر و سازمانیافته علیه بیکاری متشکل و سازمانیافته بایستید!

در حاشیه بیکاری ۸۰ هزار کولبر

اخیرا یکی از مزدوران مجلس اسلامی (جلال محمودزاده از مهاباد) اعلام کرده است که " ۸۰ هزار کولبر که حقوق ماهانه آنان ۳۵۰ هزار تومان است در معرض بیکاری قرار دارند".

جلال محمود زاده در مجلس اسلامی با بیشترین موقعیت تراژیک، معیشتی - حقوق و درآمد بیش از ده ها هزار کارگر و جوانان بیکار را به تصویر کشیده است او میگوید: «کولبرها از معابر رسمی در سرما و گرما کالا جابه جا می کنند و برای هر جابجایی حدود ۸۰ هزار تومان اخذ می کنند و این در حالی است که با این اوصاف کولبران تنها می توانند در مجموع در حدود ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار تومان درآمد کسب کنند».

این نوع به اصطلاح دلسوزی های بی مایه را ما در دولتهای مختلف شنیده و تجربه کرده ایم. مساله کولبری با حل مساله بیکاری و بیمه بیکار قابل حل و جواب است. مبارزه علیه بیکاری و برای تحمیل بیمه بیکاری امر کارگران و جوانان بیکار است.

بیکاری میلیونی یکی از چالشهای بزرگ دولت روحانی است. در دو دوره دولت روحانی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



نسان نودینیان

میتواند مانند جرقه ای برای خیزش عظیم مردم در سراسر کشور عمل کند.

جواب کارگران و جوانان بیکار به اعلام خبر بیکاری ۸۰ هزار کولبر سکوت نیست. تدام مبارزه ای است که هم اکنون ادامه دارد. اعتراضات جاری در کردستان جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است اما مردم همانطور که اعلام کرده اند زبان تهدید حکومت را نمیپذیرند. مردم سفره خالی و فقر را نمیپذیرند! بیکاری و ستم و تبعیض را نمیپذیرند! صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان کار یا بیمه بیکاری و تامین معیشت هستند. مردم رفاه و آمدن ندارند.

۸ خرداد ۱۳۹۷

از صفحه ۱ مبارزه علیه بیکاری با ...

و جوانان کولبر بشکل دسته جمعی علیه بیکاری و فقر بمیدان آمده اند. کارگران و جوانان بیکار دسته جمعی با مارش و برگزاری راه پیمایی و پهن کردن سفره های حالی بمیدان آمده اند. آنها علیه بیکاری و فقر دست به اعتراض میزنند و اعلام کرده اند "سفره خالی ما نان میخاوه"، و خواست کار یا بیمه بیکاری و امنیت معیشتی را فریاد میزنند!

اعتصابات سراسری در شهرهای کردستان، تجمع های رادیکال و اعتراضات معلمان در اردیبهشت ماه، اعتصابات راننده ها و کامیونداران در شهرهای کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آمادگی مردم برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی میدانند که اعتصابات عمومی و اعتراضات سراسری قدرتمندتری در سطح کشور در راه است و اعتصابات اعتراض در شهرهای کردستان

۲۶ فروردین از بانه شروع شد، اما در اثر نارضایتی توده ای مردم علیه فقر و بیکاری بسرعت به سایر شهرهای کردستان کشیده شد و به اعتصاب عمومی همراه با راهپیمایی و اقدام سمبلیک نمایش سفره های خالی در خیابان ها در چندین شهر کردستان تبدیل شد. مردم علیه فقر و بیکاری و ستم و سرکوب به میدان آمدند. کارگران و جوانان بیکار به مبارزه ای خیابانی و علنی علیه بیکاری و نداشتن فرصت های شغلی، دست به اعتراض زدند.

فضای اعتراضی در سطح سراسری در اشکال اعتصابات عمومی، راه پیمایی و اعتراضات شهری ادامه دارد. شهرها با التهاب بالایی در گرمای اعتراض به فقر و بیکاری قرار گرفته اند. افاضات و وعده های توخالی حکومت هار اسلامی دیگر کارساز نیست. میلیونها کارگر و مزدبگیر جامعه انتخاب خود را کرده اند، مبارزه تا سرنگونی حکومت

اسلامی.

در شهرهای کردستان کارگران

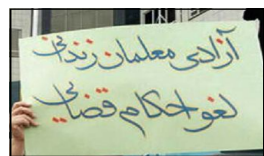
نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به مراسم کانون نویسندگان ایران را شدیداً محکوم میکنند و اعلام میکنند که آزادی اعتصاب و تجمع و گردهمایی و آزادی بیان و عقیده حق بیچون و چرای همه مردم است. دوره اربعاب مدتهاست سپری شده و چنین اعمال سرکوبگرانه ای مانع تدام و گسترش تجمعات و اعتراضات نخواهد شد.

کافی است صحنه اعتراضات مردم در اقصی نقاط کشور در هفته های گذشته را مرور کنیم. مردم جلوتر و جلوتر آمده و اعتصابات و تجمعات اعتراضی هرروز سراسری تر و پرقدرت تر شده و حکومتیان در مقابل سیل خروشان مردم که همه جا دارند به میدان میایند، ناتوان تر و پراکنده تر شده اند. یورش به مراسم کانون نویسندگان باید از جانب همه تشکل ها و فعالین آزادیخواه محکوم شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ خرداد ۱۳۹۷

۲۸ مه ۲۰۱۸



نویسندگان درمورد یورش اوپاش حکومت به جشنی است که حتی اعلام علنی نشده و قرار بوده در مکانی خصوصی برگزار شود.

این یورش چه چیزی جز وحشت حکومت از تجمع تعدادی از نویسندگان و ناشران و هنرمندان را میسرساند؟ جمهوری اسلامی از برگزاری این جشن ممانعت کرد، اما نه میتواند نویسندگان متعهد و آزاده را مرعوب کند و نه میتواند مانع بیان اعتراض و انتقاد و افشاگری آنها شود. بیانییه کانون خودگویای این حقیقت است که علیرغم قتل زنجیره ای مختاری و پوینده و شماری دیگر از نویسندگان منتقد و چپ، علیرغم بازداشت ها و زندانی کردن های فعالین کانون و علیرغم انواع تهدیدات و محدودیت هایی که مستمرا برای کانون نویسندگان در دهها سال گذشته ایجاد کرده اند، اما این کانون "از ایفای نقش آزادیخواهانه و فرهنگی خود باز نمانده است، پنجاه سالگی خود را پشت سر گذاشته، به حیات سرفراز خود ادامه داده و با نسل جوان نویسندگان آزادیخواه روز به روز شکوفاتر و شادابتر شده است."

حزب کمونیست کارگری یورش

سندج، بوکان، بانه، سقز، کامیاران و کرمانشاه به اعتصاب عمومی رانندگان و کامیونداران پیوستند!

تانکرهای سوخت در این اعتصاب، برخی از پمپ بنزین ها با مشکل کمبود سوخت مواجه شده و صفهای طولی در مقابل پمپ بنزین ها تشکیل شده است.

مردم شهرهای کردستان! از اعتصاب عمومی رانندگان و کامیونداران، حمایت کنید.

همگام شدن رانندگان و کامیونداران در شهرهای کردستان را تقویت کنید. متحد و یکپارچه به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی رانندگان و کامیونداران پیوندید! اعتصاب عمومی رانندگان و کامیونداران در سطح سراسری کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آمادگی مردم برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است. اعتصاب عمومی رانندگان و کامیونداران ادامه مبارزه عادلانه مردم علیه فقر بیکاری و تبعیض است. مردم سفره خالی و فقر را نمیپذیرند! مردم رفاه و زندگی میخاوهند و قصد کوتاه آمدن ندارند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ خرداد ۱۳۹۷

۲۶ مه ۲۰۱۸

در چند روز گذشته اعتصاب عمومی رانندگان و کامیونداران در شهرهای کردستان با همگام شدن با اعتصاب در سطح سراسری در جریان بوده. تا کنون در شهرهای سندج، بوکان، بانه، سقز، کامیاران و کرمانشاه رانندگان و کامیونداران به اعتصاب عمومی پیوسته اند.

اعتصاب کامیونداران و رانندگان کامیون در حدود ۱۷۰ شهر از جمله در شهرهای اصفهان، قلعه ناظر اصفهان، شاهرود، فرخ شهر، شهرکرد، کوهدشت، آشخانه، نقده، بجنورد، گرگان، گرمه ایوردق ایلام، مشهد، سعادت شهر، ارومیه، تبریز، مرند، شوردق، نایین، تاکستان، تایباد، خمینی شهر، مرز آباد، نیریز، هرمزگان، بندر گناوه، خورزوق، تربت جام، سمنان، بیرجند، سفید دشت، بهبهان، شیراز، کهکیلویه و بویر احمد، زرین شهر، اراک، کوار، جاجرم، سیرجان، شهرضا، نیشابور، اسداباد، سبزواری، بجنستان، شهربابک، اندیمشک، خرم آباد، دورود، ازنا، خورسند، بندر امام، نوشهر، یزد، اردکان و مهریز، ابرکوه، همدان، قزوین، قم، آزادشهر، مینودشت و گالیکش جریان دارد. اعتصاب کامیونداران بخش های مختلف حمل و نقل را در بر گرفته و از جمله با توجه به شرکت رانندگان

از صفحه ۳ اطلاعیه های حزب ...

عمرنگیش بر لب بام است.

در این شرایط اگر کسی به صرافت ارسال نامه سرگشاده به دولتها می افتد بهتر است اعلام کند جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنها است و از آنها بخواهد حکومت آپارتاید جنسی در ایران را، مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، طرد و منزوی کنند.

زمان نامه پراکنیهای نوع دوخردادی مدتهاست سپری شده. خط استحاله و دوخرداد نیز با سرنگونی جمهوری اسلامی برخورد افتاد و آن زمان، که بزودی فرا خواهد رسید، کسی باید به فکر

زیر بکشند.

ترامپ و اروپای واحد و دولت روسیه و حکومت اسلامی هر یک سیاستها و اهداف ارتجاعی ای را نمایندگی میکنند که در نقطه مقابل خواست مردم ایران قرار دارد. مردم ایران هم علیه ترامپ و سیاستهای فاشیستی اش هستند و هم علیه فاشیستهای حاکم بر ایران. تعیین تکلیف با ترامپ امر مردم آمریکا است اما تسویه حساب با حکومت اسلامی امر عاجل توده مردم ایران است. در این میان امر امضا کنندگان نامه کذائی به اتحادیه اروپا، اعتبار بخشیدن به حکومتی است که آفتاب

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران

اعتصابات سراسری
گسترش می یابد

اعتصابات سراسری به فاکتور تازه ای در جامعه تبدیل شده و به سرعت در حال گسترش به بخش های مختلف جامعه است. از جمله کارگران بخش تراورس راه آهن که حدود ۷۰۰۰ نفر در سطح کشور میباشند و موجی از اعتصابات و تجمعات اعتراضی آنها در شهرهای مختلف از ۲۰ اردیبهشت شروع شده بود، فراخوان اعتصاب و تجمع سراسری برای روزهای ۵ تا ۱۰ خرداد دادند. دستمزدهای پرداخت نشده، ناامنی شغلی، قراردادهای موقت و بیمه های ناکارآمد از جمله موضوعات اعتراض کارگران تراورس است.

روز ۲۰ اردیبهشت کارگران راه آهن تبریز در محوطه ایستگاه راه آهن این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. روز ۲۲ اردیبهشت کارگران راه آهن در زنجان دست به اعتصاب زده و در برابر استانداری تجمع کردند. ۲۴ اردیبهشت کارگران راه آهن اصفهان اعتصاب کرده و در مقابل ساختمان مدیریت شرکت تجمع کردند. در همین روز کارکنان شرکت تراورس راه آهن مشهد، دست به اعتصاب زدند. ۲۹ اردیبهشت کارگران تراورس گلستان - گرگان در برابر دفتر این شرکت تجمع کردند. در همین روز کارگران راه آهن ورامین دست به اعتصاب زده و از حرکت قطارها جلوگیری کردند. روز ۳۰ اردیبهشت کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن لرستان وارد هفتمین روز اعتراض شدند. ۳۰ اردیبهشت کارگران راه آهن زاگرس نیز برای دومین روز متوالی دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند. روز ۳۱ اردیبهشت، شماری از کارگران راه آهن اندیمشک، برای سومین روز متوالی به اعتصاب ادامه دادند که در روز اول خرداد اخراج شدند. در عکس العمل به این اخراجها کارگران در روز دوم خرداد مجدداً تجمع کردند. در همین روز کارگران راه آهن ورامین نیز دست از کار کشیدند و بار دیگر از حرکت قطارها جلوگیری کردند. در پی این اعتصاب، سرکوبگران حکومت با حضور در محل تجمع کارگران، با

کارگران درگیر شدند. روز ۳ خرداد کارگران راه آهن تراورس مشهد دست به تجمع زدند و روز ۵ خرداد کارگران تراورس در اصفهان، شاهرود، سمنان و دامغان وارد هفتمین روز اعتصاب خود شدند. لازم به توضیح است که کارگران متروی تهران همبستگی خود را با فراخوان اعتصاب سراسری توسط کارگران تراورس اعلام کردند.

دست زدن به اعتصابات سراسری برای تحقق خواست های کارگری امری ضروری و مهم بشمار میرود. اکنون امکان آن نیز فراهم شده است. اعتصابات سراسری توسط رانندگان و کامیونداران و اعتصابات و اعتراضات طولانی مدت در بانه و برخی دیگر از شهرهای کردستان، تجمع و اعتصاب سراسری دو ساعته معلمان در اردیبهشت ماه و اعتراض کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی از سراسر کشور در تهران در روز ششم خرداد، نشان میدهد که شرایط برای سازماندهی اعتصابات و تجمعات سراسری به همت اعتراضات گسترده کارگران فراهم شده است. با تمام قوا به استقبال آن برویم.

پیش به سوی اعتصابات
و اعتراضات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ خرداد ۱۳۹۷
۲۷ مه ۲۰۱۸
.....

در مورد اعتصاب
عمومی رانندگان
و کامیونداران

از روز اول خرداد کامیونداران و رانندگان کامیونها دست به اعتصاب سراسری در استان ها و شهرهای مختلف کشور زده و از حمل بار خودداری کرده اند. در فضای سیاسی کنونی ایران این اتفاق مهمی است که نشاندهنده جو اعتراضی عمومی و وخامت شدید زندگی بخش های مختلف مردم است.

اعتصاب کامیونداران و رانندگان کامیون در حدود ۱۷۰ شهر از جمله در شهرهای

اصفهان، قلعه ناظر اصفهان، شاهرود، فرخ شهر، شهرکرد، کوهدشت، آشخانه، نقده، بجنورد، گرگان، گرمه ایوردق، ایلام، مشهد، سعادت شهر، ارومیه، تبریز، مرند، شوردق، نایین، تاکستان، تایباد، خمینی شهر، مرزن آباد، نیریز، هرمزگان، بندر گناوه، خورزوق، تربت جام، سمنان، بیرجند، سفید دشت، بهبهان، شیراز، کهکیلویه و بویر احمد، زرین شهر، اراک، کوار، جاجریم، سیرجان، شهرضا، نیشابور، اسدآباد، سبزوار، بجنستان، شهربابک، اندیمشک، خرم آباد، دورود، ازنا، خورسند، بندر امام، نوشهر، یزد، اردکان و مهریز، ابرکوه، همدان، قزوین، قم، آزادشهر، مینودشت و گالیکش جریان دارد. اعتصاب کامیونداران بخش های مختلف حمل و نقل را در بر گرفته و از جمله با توجه به شرکت رانندگان تانکرهای سوخت در این اعتصاب، برخی از پمپ بنزین ها با مشکل کمبود سوخت مواجه شده و صفهای طولانی در مقابل پمپ بنزین ها تشکیل شده است.

این قبل از هرچیز نشاندهنده اوضاع سیاسی بحرانی و اقتصاد ورشکسته حکومت است که منجر به اعتصاب بخش های مختلف این صنعت از صاحبان کوچک و بزرگ کامیون ها تا رانندگان و در واقع کارگران این بخش شده است. اعتصاب کنندگان میگویند کرایه ها ثابت مانده اما قیمت بیمه ها، عوارض اتوبان ها، کمیسیون بازرایی ها و هزینه تعمیرات و لوازم یدکی و هزینه ای که به دلالت تعلق میگیرد از یکطرف و سایر هزینه های زندگی از طرف دیگر افزایش چشمگیری داشته است. این مجموعه شرایط دشواری برای زندگی اکثر آنها ایجاد کرده است. رانندگان کامیون ها بعلاوه به ناامنی جاده ها و محسوب نشدن این شغل بعنوان یک کار زیان آور اعتراض دارند. در عکس العمل به این وضعیت است که دست به اعتصاب متحد و سراسری زده و دولت را برای خواست های خود تحت فشار قرار داده اند و عملاً بخشی از اقتصاد را فلج کرده اند. اعتصاب رانندگان کامیون با همبستگی زیادی از طرف مردم مواجه شده و انعکاس گسترده ای

یافته است.

اعتصاب عمومی کامیونداران در کنار اعتراضات گسترده مردم کازرون، اعتصاب و اعتراض مردم بانه و سایر شهرهای کردستان، اعتصاب سراسری کارگران راه آهن و شهرداری ها و اعتصاب بازاریان و غیره که روز بروز ابعاد وسیعتری بخود میگیرد، نشاندهنده اوضاع طوفانی جامعه و شکل گیری انقلاب عظیمی است که علیه جمهوری اسلامی در چشم انداز قرار دارد.

ادامه عمر جمهوری اسلامی فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری و بی تأمین و مشقات بسیاری را بر مردم تحمیل کرده است. تا زمانی که این حکومت سر کار است چشم انداز بهبودی وجود نخواهد داشت. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم محروم را به گسترش اعتراض و اعتصاب و مبارزه برای سرنگونی حکومت چپاولگران اسلامی فرا میخواند.

پیش بسوی اعتصابات و
اعتراضات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ خرداد ۱۳۹۷
۲۵ مه ۲۰۱۸
.....

اطلاعیه در مورد
نامه ۱۸۵ نفر
به اتحادیه اروپابجای نجات حکومت
اسلامی، به فکر نجات
خود از خشم مردم باشید!

۱۸۵ نفر از چهره های پرو روحانی از ایران و دیگر کشورها در نامه سرگشاده ای به موگرینی نماینده اتحادیه اروپا خواستار حفظ توافقنامه برجام و بقول خودشان "نجات این توافقنامه" شده اند. انگیزه این اقدام ظاهراً خروج دولت آمریکا از برجام است اما مضمون نامه نشان میدهد که دغدغه امضا کنندگان صرفاً "نجات برجام" نیست. این در واقع بیانیه عده ای از استحاله چی های حکومتی در ایران و در خارج ایران برای نجات حکومت در حال سقوط جمهوری اسلامی است. در این نامه از روحانی بعنوان رئیس جمهور متعهدی که دوبار بوسیله مردم انتخاب شده نام برده

میشود و ادعا میشود مردم ایران با جشن و پایکوبی از برجام استقبال کرده اند. طرفداران روحانی مواضع و احساسات خودشان را بیای مردم مینویسند. مردم ایران بارها، قبل و بعد از برجام، و آخرین بار در دیماه گذشته در بیش از ۹۰ شهر، به خیابانها آمده اند و اعلام کرده اند جمهوری اسلامی نمی خواهیم. اعلام کرده اند مرگ بر روحانی، مرگ بر خامنه ای. اعلام کرده اند "اصلاح طلب، اصولگرا بگه تمومه ماجرا". اعلام کرده اند "دشمن ما همینجاست، الکی میگن آمریکاست".

در چنین شرایطی به بهانه نجات برجام به دفاع از روحانی برخاستن مقابله با مردم بیباخته ایران است. توافقنامه برجام امری مربوط به روابط بین دولتها و مشخصاً دولت آمریکا و جمهوری اسلامی است. مردم ناگزیر نیستند بین نیروهای دو طرف قرارداد برجام و یا لغو و ادامه آن یکی را انتخاب کنند. خواست و راه مردم جداست. مردم ایران همواره در کشاکش بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی صف و خواست مستقل خود را داشته اند. لغو تحریمهایی که زندگی مردم را تحت فشار قرار میدهد خواست همیشگی مردم ایران و نیروهای آزادیخواه بوده است. اما فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری که در جامعه بیداد میکنند با تحریمها آغاز نشده بود و با رفع تحریمها هم پایان نرسید. برجام بر خلاف وعده های روحانی نه چرخ های اقتصاد را به راه انداخت و نه اشتغال و رفاهی به ارمغان آورد.

راه رهایی مردم ایران از مسیر برجام با لغو و ادامه آن نمی گذرد. همانطور که تضمین صلح و ثبات و امنیت در ایران و منطقه نیز ربطی به برجام ندارد. جمهوری اسلامی خود عامل مهمی در ناامنی و بی ثباتی منطقه است. عامل گسترش فقر و فلاکت عمومی در برابر حقوقها و ثروت نجومی آیت الله های میلیاردر نیز همین حکومت است. مردم ایران عزم جزم کرده اند که با قیام علیه این حکومت، که با شعار حکومت اسلامی نمیخواهیم در بیش از ۹۰ شهر آغاز شد و آخرین بروز آن قیام قهرمانانه مردم کازرون است، جمهوری اسلامی را



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

**نامه سرگشاده مادر
رامین حسین پناهی به
فدریکا موگرتینی
قلب مرا هم
روی میز مذاکره بگذارید.**

این نامه يك مادر است از يك شهر كوچك در كردستان ایران، مادری كه قلبش هر روز در تب و تاب است، چرا كه جگر گوشه اش ممكنست در زندانی در همین نزدیکی ها ، بعد از اتمام ماه رمضان اعدام شود. میدانید یعنی چه، از فكر این فاجعه بخود میلرزم و واز كلمه اعدام نفرت دارم. شنیدم خودتان مادر هستیید و دو دختر دارید، پس میتوانید يك لحظه از سیاست فاصله بگیرید و بحرفم گوش دهید با جان دل گوش دهید.

من يك مادر دردمندم، از سی سال پیش درد را شناختم و سالها است كه در دیرد دنبال فرزندانم هستم، فرزندانى كه از عدالت گفتند و برای بهبود اوضاع كوشیدند. ولی در اینجا همه چیز ممنوع است. ما در جهنم زندگی میکنیم و این روزها زندگی من به تمام معنا جهنمی است. رامین حسین پناهی كه حتما اسمش را شنیده اید و عكس اش را دیده اید، فرزند دلبنده من است. او هر كاری کرده باشد ، نباید كشته شود. آیا این حرف ناحقی است كه من میزنم. او يك فعال سیاسی است ، پرونده سازها شده و اکنون در يك قذمی مرگ است.

سخت است كابوس اعدام، و میخواهم شما هم لحظه ای به این احساس من نزدیک شوید و خودتان را جای من بگذارید و كاری كنید كه این فاجعه اتفاق نیفتد، شما میتوانید و من صمیمانه از شما میخواهم این كار را بكنید. رسماً بطور جدی بخواهید رامین اعدام نشود.

آهائیا همتی باز یگر سینما و تئاتر ایران، دعوت به افطاری ریاست جمهوری را رد کرد.

سلام آقای رییس جمهور
من به افطاری شما نخواهم آمد. سفره ما مردم ایران روز به روز خالی تر میشود... بیماری و فقر در استان های سیستان و بلوچستان روز به روز بیشتر میشود.... وضعیت زلزله زده ها، سالهای سال به همین منوال باقی مانده است (زلزله بم و حالا کرمانشاه) آب و هوایی كه در بیشتر استان ها غبار آلوده است و هموطنان كردمان روزی نیست كه عذاب نكشند، كوله برانی كه با شلیك كشته میشوند. حتی اسب هایشان تیرباران میشوند وضعیت زنان در هر حوزه ای كه فكرش رو بكنید، روز به روز اسفبار تر میشود.... وضعیت اسید پاشی و قوانین عقب افتاده درست نشده... بیماریهایی كه خانواده ها برای پول دارو به هر جایی التماس میکنن و حاضرند تن به فروختن اعضای بدن خود بدهند... هنرمندانی كه ممنوع هستند، هنری كه سانسور میشود، آدم هایی كه حذف میشوند. سرپنجه آهنینی گلویمان را سالهاست كه سخت میفشارد، در حال خفه شدنم واقعا در چنین شرایطی كه من و مردم با فقر دست و پنجه نرم میکنم، در حالیکه كوچكترین اعتراضی هم سركوب میشود، برای خودم حضور در چنین مكانی را جایز نمیدانم.

گفتنی است كه هنرمندان دیگری، همچون سپیده گلچین، پرستو گلستانی، هم دعوت افطار روحانی را رد كردند.

سوخنم و ساختم؛ پوران پوریایی قربانی اسیدپاشی، پس از ۵ سال سكوت خود را شكست

خبرگزاری هرانا - پنج سال پیش در بم به صورتش اسید پاشیدند طوری كه چشمهایش به هم دوخته شد. در این مدت سكوت كرد و برخلاف دیگر قربانیان اسیدپاشی با هیچ رسانه ای صحبت نكرد و غم عمیقش را برای خود نگاهداشت. حالا برای درمان به تهران آمده با این امید كه شاید نوری به چشمهایش بتابد. پوران پوریایی ۵۵ ساله است و ۴ فرزند دارد. او همین روزها تصمیم گرفت برای نخستین بار وارد گفتوگو شود.

زندگی این زن هم يك روزه زیر و رو شد مثل بقیه شان. مثل معصومه، زیور، مهناز، محبوبه و... میگوید: «با این همه سعی می كنم كارهای خانه را انجام دهم، آشپزی كنم و... گاهی باورم نمی شود نابینا شده ام و دارم زندگی می كنم. اوایل حتی نمی توانستم درست راه بروم. عادت كرده ام تا حدی... روزهای اول بعد از اسیدپاشی توی بیمارستان تصمیم گرفتم غذا نخورم و بمیرم. حتی قرص هایم را می انداختم دور. مهناز دخترم كنارم داشت آب می شد. گفتم بمیرم تا این بچه ها راحت شوند اما يك روز مهناز بغلم كرد و گفت همین بودنت خوبه، به خاطر ما باید بمونی! به خاطر بچه ها ماندم. این روزها هم تنها خواسته ام این است سربار زندگی بچه هایم نباشم. خودم دوباره يك كاری یاد بگیرم و از این خانه نشینی دربیایم و با این وضعیت مستأجر نباشم و مجبور نشوم هر روز جابه جا شوم. تا می آیم به خانه جدید عادت كنم و جای وسایل را پیدا كنم، باید بلند شوم...»

او از كنجكاری های مردم هم

خسته شده؛ اینکه دائم می پرسند چرا؟ چرا این اتفاق برایت افتاد، مگر چه کرده بودی كه شوهرت روی صورتت اسید پاشید؟ پوران بلند می شود و با چای و شیرینی خرمايي کرمان از ما پذیرایی می کند.

گلاسئوست؛ رهبر

در روزهای گذشته به دختر دانشجویی اجازه داده شد كه در حضور خامنه ای ارگانهای زیر نظر رهبری و فقر و بیحقوقی مردم را مورد انتقاد قرار دهد. سحر مهرابی كه نماینده مدیران مسئول در شورای مركزی ناظر بر نشریات دانشگاهی وزارت علوم است، عدم امکان نظارت و حسابرسی از نهادهای زیر نظر خامنه ای مثل سپاه پاسداران، قوه قضاییه و صدا و سیما را مورد انتقاد قرار داد، از نابرابری ها، حاشیه نشین ها، بیحقوقی اقلیت ها، تعرض به آزادی بیان، محدودسازی حق دسترسی به اطلاعات و فیلترینگ، فقدان آزادی اعتراض، فساد ساختاری و تبعیض، پرونده سازی علیه كارگران و معلمان و از ضرورت عدالت اجتماعی و آموزش رایگان صحبت كرد و پرسید مقامات حكومت از جمله خود خامنه ای چه پاسخی به این مشكلات دارند. او البته راه حل را اجرای قانون اساسی و حفظ جمهوری اسلامی با اصلاحات عنوان كرد و به همین دلیل به او امکان طرح این انتقادات داده شده بود. اما در عین حال كل سیستم و ارگان های مختلف آن و فقر و فساد و نابرابری را به باد انتقاد گرفت.

ده سال قبل يك صدم این انتقادات با مجازات های سخت همراه بود اما در سالهای اخیر این انتقادات در شكل شعارهای افشاگرانه بسیار تندتری در تظاهرات های مردم مقابل مجلس و

ارگان های حكومتي و در مقابل چشم اوباش سركوبگر حكومت فریاد زده میشود و دست حكومت برای دستگیری اینهمه مردم بسته است. رهبر شعار مرگ بر دیکتاتور چند میلیون مردم در خیابانهای اطراف خانه اش در سال ۸۸ و شعارهای مرگ بر خامنه ای و جمهوری اسلامی در دیماه ۹۶ در سراسر کشور را شنیده است و از عمق انزجار عموم مردم و حتی نفرت نیمی از حكومتیان از خودش مطلع است و حالا بارعام داده تا در محضر خودش این انتقادات از زبان يك دانشجو بیان شود.

صرفنظر از اینکه اینهمه معضلاتی كه این دختر دانشجو به زبان آورده راه حلش سرنگونی حكومت است نه اجرای قانون اساسی، اما اعتراضات توده ای و خیزش دیماه و تداوم و گسترش اعتراضات توده ای در سراسر کشور پیش زمینه این گلاسئوست! است. اما اگر گلاسئوست گورباچف به تغییر سیستم از بالا منجر شد، گلاسئوست! آقا سیگنال های جامعه برای سرنگونی است. این گلاسئوست را جامعه با پای خودش عملی کرده است. گلاسئوست آقا را باید با صدای انقلابتان را شنیدم شاه مقایسه كرد. مهم انتقادات این دانشجوی ظاهرا یا باطنا اصلاح طلب نیست، مهم این است كه مردم شكست دیکتاتور را در پشت این نمایشات میبینند و مشروعیت بیشتری برای آزادی اعتراض خود احساس میکنند و تعرضشان را تندتر میکنند.

خامنه ای در جواب به این دانشجو یا دانشجوی دیگری گفته است احساسش را تایید میکنم اما حرفش را نه. شاید نمیداند كه در دوره های انقلاب احساس سرنوشته جامعه را تعیین میکند نه حرف.*





نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستاناعتصاب رانندگان کامیون در
شهرهای کردستان

روزشنبه ۵ خرداد، جمعی از رانندگان کامیون بیجار با خودروهایشان در میدان سپاه این شهر اجتماع کردند. رانندگان کامیون در شهرهای سقزو دیواندره هم دست به تجمع زدند.

روزانه بیش از چهار هزار تن سیمان و سه هزار تن سنگ آهن توسط ناوگان حمل و نقل جاده ایی از بیجار به سراسر کشور بارگیری می شود.

حق بیمه کارگران ساختمانی ناعادلانه افزایش یافته/ از ظلم آشکار در حق خانواده های کارگری جلوگیری کنید

انجمن صنفی کارگران
ساختمانی مریوان و سروآباد
در اعتراض به افزایش حق بیمه
کارگران ساختمانی
حق بیمه بیکاری را
کاهش دهید!

در دو ماه نخست امسال به صورت دو مرحله ای حق پرداخت بیمه کارگران ساختمانی به صورت مرحله اول ۱۶ درصد و مرحله دوم ۹ درصد افزایش یافته است؛ علیرغم اینکه این افزایش غیرمنتظره و غیرکارشناسی به نظر می رسد، هیچ گونه همخوانی با روند شدید افت ساخت و ساز و بیکاری کارگران ساختمانی و وضعیت وخیم معیشت آنان ندارد. این افزایش ۲۵ درصدی اولاً هیچ گونه همخوانی و انطباقی با وضعیت اسفبار معیشت کارگران ساختمانی ندارد؛ دوماً افزایش دستمزد کارگران ساختمانی از مصوبات شورای عالی کار تبعیت نمی کند تا براساس آن بیمه پردازی کارگران ساختمانی افزایش یابد بلکه تابع وضعیت و شرایط ساخت و ساز در کشور است؛ این در شرایطی است که وضعیت صنعت ساختمان در کشور بسیار نامناسب و اکثر کارگران ساختمانی با بیکاری روزافزون دست و پنجه نرم می کنند؛ در چنین شرایطی فشار بر

دادند و ما را آزاد کردند .

داخل شهر نشده بودیم، که وکیل دانش آموزان را به یک نهاد امنیتی احضار کردند و تا دو ساعت در آنجا بازجویی شد. پس از اتمام بازجویی به منزلی که قرار بود، نشست خبری در آنجا برگزار شود، رفتیم. خیابان و کوچه های منتهی به محل نشست مطبوعاتی مملو از لباس شخصی ها بود، دادستان و سایر نهادهای امنیتی در پیرانشهر اجازه برگزاری نشست مطبوعاتی را ندادند و به ما هم یک ساعت فرصت داده شد، تا از جغرافیای استان آذربایجان غربی خارج شویم. در حالی که صبح روز بعد قرار بود، به دعوت فعالان مدنی ارومیه در آن شهر باشیم. فضا آن قدر پلیسی شده بود، که از آن بیم داشتیم در جاده اتفاقی! برای مان پیش آید و بگویند حادثه بوده است. از پیرانشهر به طرف سنندج راه افتادیم و خانواده های شریف و بزرگوار دانش آموزان شین آبادی و فعالان مدنی تا بیست کیلومتری خارج از شهر ما را همراهی کردند. هر چند، چند خودرو لباس شخصی ها هم برای اطمینان از خارج شدن ما از استان تا بوکان ما را تعقیب کردند.

فرماندار و دیگر مسئولان آذربایجان غربی چرا با سکوت خود بر این رفتارهای غیرقانونی چشم بستند؟ چرا بایستی مساله دانش آموزان شین آباد قربانی جنگ قدرت آنان شود؟ زخما و رنج های این دانش آموزان و خانواده های شان مرهم می خواهد نه نمک. به کجا باید شکایت برد؟ کسی پاسخ گو که نیست. نماینده مردم پیرانشهر کجا بود؟ لباس شخصی ها از کجا آمدند؟ آمران چه کسانی و از کجا نهاد بودند؟ پس شکایت ها و دردهای مان را برای انسان دوستان و وجدان های آزاد می گویم و بس.

نه هر کس حق تواند گفت گستاخ سخن ملکیت سعدی را مسلم

پرویز صیاد: زندانیان سیاسی را
آزاد و حکم اعدام رامین
حسین پنهانی را لغو کنید!

پرویز صیاد هنرمند قدیمی و محبوب مردم، خواهان لغو حکم اعدام رامین حسین پنهانی و آزادی زندانیان سیاسی شده است.

پرویز صیاد از هنرمندانی است که چه در کارهای هنری خود و چه همزمان با خیزش های مردمی

همواره با آنها همراهی کرده است. او کم در این زمینه سخن نگفته و قلم نزده است.

در شرایطی که مردم از جمله به دلیل سرکوب نیاز دارند تا چهره های شناخته شده که شهرت و محبوبیت و موقعیت خود را از همین مردم دارند، در کنار آنها باشند، کمتر هنرمندان و ورزشکاران و چهره های فرهنگی و اجتماعی را در کنار خود می بینند.

امروز خانواده های زندانیان و محکومان به اعدام نیاز به کمک هنرمندان و چهره های شناخته شده دارند. از امثال رامین حسین پنهانی تا زندانیانی که صدایشان به جایی نمی رسد و همچنین بازداشت شدگان اخیر محیط زیست که دستگاه های مسئول حتی نامشان را نیز اعلام نمی کنند.

اجرای حکم ناعادلانه ای اعدام برای رامین حسین پنهانی بر اساس اتهامی موهوم، اگرچه ظاهراً به تعویق افتاده ولی ممکن است پنهانی و در تاریخی که اعلام نشده به اجرا درآید.

در این روزها مادر رامین حسین پنهانی از همه هنرمندان و چهره های شناخته شده فرهنگی و اجتماعی تقاضای کمک دارد تا جوان ۲۴ ساله اش را به دار نیاویزند! او و فرزند دیگر در زندان دارد و دو فرزند و نوداش را در جریان این بگیر و ببندها از دست داده است.

کمپین #نه_به_اعدام_رامین_حسین پنهانی انتظار حمایت و همراهی دارد. پرویز صیاد بارها این حمایت را از زندانیان به عمل (از صفحه فیس بوک اختر قاسمی)

پای درد دل های
یک کولبر قربانی مین

بخشهایی از گزارش: نسرين هزاره مقدم
مردم شین آباد فقط «مرز» را دارند/ سرپناه بچه هایم را پای هزینه های درمان دادم

لقمان وحید، کولبری که يك چشم و يك پایش را در اثر انفجار مین از دست داده، می گوید: فقط انجمن های مدنی سراغم را گرفتند....

زندگی این روزهایش مکافات است؛ مکافات بار بر پشت نهادن؛ کول بردن؛ مکافات اینکه خواسته لقمه ای نان از دل کوه های پیرانشهر

بیرون بکشد تا تن بچه هایش لخت نماند؛ تا سفره شان، نان خالی و به قول خودش نمک داشته باشد.

نامش «لقمان وحید» است؛ کولبری سی و چند ساله؛ اهل «شین آباد» پیرانشهر است؛ اهل همان جایی که نامش انگار با قصه ی محرومیت و درد گره خورد؛ همان جا که کودکی دخترکان دبستانی در آتش کلاس درس سوخت.

لقمان قربانی فقر است و قربانی جنگ؛ کولبری ست که يك پا و يك چشمش را روی مین از دست داده؛ پایش را از زانو بریده اند و خلاص؛ اما چشمش را چند بار عمل کرده اند ولی بینایی برنگشته؛ پزشکان گفته اند اگر يك بار دیگر قرنيه چشمش عمل شود؛ شاید بتواند «کمی» فقط «کمی» ببیند؛ اگر پول جور شود و لقمان بتواند چشم به تیغ جراحی بسپارد، فقط می تواند پرهیب کسی را که مقابلش نشسته، ببیند، نه بیشتر.

«اهل شین آباد؛ کولبری پیرانشهری؛ تقریباً شش ماه پیش که رفته بودم عراق برای کولبری، موقع برگشت روی مین رفتم؛ يك پام قطع شده، چشم راستم هم نابیناست؛ چشمم پیوند قرنيه می خواهد. شبکيه هر دو چشم در اثر انفجار مین ترکیده بود که هر دو را عمل کردم اما چشم چپم، قرنيه اش آسیب ندیده و سالم است. پای راستم را نیز از پایین زانو قطع کرده اند.»

روزی که لقمان روی مین می رود، روز نحسی ست؛ روزی که بیهوش می شود و همانطور بیهوش، هفده روز تمام در بیمارستان امام رضا تبریز بستری اش می کنند؛ وقتی به هوش می آید، تازه آغاز مصیبت است؛ جراحی پشت جراحی؛ تیغ پشت تیغ و صورت حساب هست که همانطور پشت سر هم می نویسند و امضا می کنند و لقمان باید همه اینها را بپردازد؛ موظف است که بپردازد؛ نه بیمه دارد و نه کسی از او حمایت می کند.

«يك ماه و خورده ای در بیمارستان بستری بودم؛ چند بار من را برای عمل چشم به بیمارستان تخصصی فرستادند. در بیمارستان تبریز، سی و چهار میلیون پرداختم؛ بعد بیمارستان «نقده» پام را عمل کردم که آنجا هم چهار میلیون و

از صفحه ۵ نگاه هفته مجموعه اخبار ..

منزلت، معیشت حق مسلم ماست

این فریاد کارگران و معلمان و بازنشستگان ایران در مقابل حکومت توحش اسلامی سرمایه داران است. در عصر پیشرفتهای شگرف بشری، ارتجاع سرمایه داری يك باتلاق متعفن را بنام جامعه بر انسانها حاکم کرده است. این را نمی پذیریم! تحقیر و بی اختیاری و زندگی زیر فقر را پایان خواهیم داد. انقلابی برای اعلام پایان عصر توحش و آغاز جامعه انسانی در ایران به حرکت در آمده است. انقلاب ضد مذهب، انقلاب ضد نابرابری و فقر، انقلاب ضد استثمار و ضد چپاول و ضد ارتجاع حاکم، انقلابی که بر پرچم آن نفی زندان و اعدام و فقر و تبعیض حک شده است. انقلابی که رفاه و آزادی و شادی را برای تک تک افراد جامعه تضمین میکند. کارگران و مردم ایران با شعار منزلت و معیشت و آزادی عزم کرده اند که حاکمیت مفتخوران اسلامی سرمایه دار را برای همیشه از سر جامعه جارو کنند. منزلت و رفاه و آزادی با قدرت انقلاب ما به قانون بی چون و چرای جامعه تبدیل خواهد شد

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!
حزب کمونیست کارگری
۲۰ بهمن ۱۳۹۶، ۹ فوریه ۲۰۱۸



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 12073
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
آف ای سی : 7/8

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

بدتر شده؛ مرزها را که بستند، خیلیها از نان خوردن افتادند؛ هرچه مردم اعتراض کردند، فعالان مدنی اعتراض کردند، حتی نمایندگان مجلس اعتراض کردند، فایده نکرده؛ مرزها را بستند و گفتند دیگر «باز» نمی شود؛ تمام. لقمان می گوید: شش ماه است که مرز را بستند؛ برادرهایم بیکار شده اند؛ وضعیتشان خراب است؛ همه به فلاکت افتاده اند. یکی از برادرهایم رفته دستفروشی تبریز.... اما در نهایت امر، لقمان نگران تیرماه است؛ نگران عمل قرنیه چشم که حدود ده میلیون هزینه دارد؛ به او هیچ خسارتی ندادند؛ او قربانی مین است اما قربانی فراموش شده؛ قربانی ای علیل که نه تنها غرامت نگرفته بلکه به او گفته اند «رد مرز» کرده ای آنها غیرقانونی؛ پس باید جریمه پردازی؛ همین می شود که از خیر شکایت می گذرد: «به ما کولبران روی مین هم که برویم، چیزی نمی دهند؛ شکایت، فقط دوندگی است؛ نتیجه ندارد.»

حسین احمدی نیاز (وکیل قربانیان مین) با بیان اینکه در بحث انفجار مین و مصدومیت، وضعیت کولبران به مراتب از «مردم عادی» بدتر است؛ چراکه به کولبران نگاه مجرمانه وجود دارد و چیزی به آنها نمی پردازند؛ می گوید: در حالت کلی در مورد قربانیان مین ضعف و خلاء قانونی داریم؛ تنها قانونی که در این زمینه داریم قانون پرطمطراق و پرسروصدایی به نام «قانون بازگشت مهاجران جنگی به مناطق خود» است که مربوط به بازگشت مهاجران جنگی به مناطق جنگ زده است و تبصره ای دارد درباره اینکه کسانی که به مناطق جنگی بازگشته اند اگر روی مین رفتند، باید مشخصا به آنها خسارت پرداخت شود. این ماده واحد بسیار قدیمی است و ما قانون مستقلی درباب قربانیان مین نداریم. این ایراد بسیار بزرگی است که به خلاء و ضعف قانونی در نظام حقوقی ایران برمی گردد.

آخرین درد دل «لقمان وحید»، فقط یک سوال است؛ یک سوال ساده: «چرا کسی پاسخ نمی دهد که گناه من چیست؟ اگر در شین آباد، فرصت کار کردن بود، چرا باید

چهار ساله شده و دو فرزند دارد، شغلی غیر از کول بردن را تجربه نکرده؛ فرصت دیگری نبوده که تجربه کند؛ از او می پرسیم منبع درآمد چیست؟ می گوید: هیچ؛ هیچ؛ منبع درآمدی ندارم؛ خانم می رود کار؛ با کارگران می رود سر زمین؛ زمین چغندر و نخود؛ می رود بیکاری و فعلگی؛ روزی چهل هزار تومان درآمدش است اما درآمدی که چه بگویم؛ نمی پردازند؛ می گویند فصل برداشت بیابید طلبهایتان را بگیرید؛ آن موقع تسویه می کنند؛ الان از پول خبری نیست.

همسر لقمان، روستایی ای است که روی زمین دیگران بیگاری می کند به امید آن روزی که محصول به ثمر بنشینند و چندرغاز دستمزد را با ماهها تاخیر بپردازند؛ همسر لقمان از صبح علی الاطول می رود و تا غروب سر زمین است؛ مجبور است که برود؛ مجبور است برود چغندرکاری تا خانواده از گرسنگی تلف نشود.

غیر از انجمن های مردمی کسی سراغمان را نگرفت

لقمان می گوید: الان برای «نان خربز» هم محتاجیم؛ کسی به ما کمک نکرد؛ فقط در پیرانشهر چند انجمن و نهاد مردمی هستند که به امثال ما کمک می کنند؛ برنج و نان برای خانواده کولبران مصدوم می آورند؛ ماه رمضان هم بامیه و زولبیا آوردند برایمان؛ خدا خیرشان بدهد؛ غیر از این انجمن ها، هیچ کس سراغ ما را نگرفت؛ غیر از خدا کسی را نداریم؛ غیر از خدا کسی صدای ما را نمی شنود.... راستی ممنونم که زنگ زدید و خواستید حرف هایم را بشنوید؛ خواستید صدای من خانم نشین را به گوش همه برسانید....

مردم شین آباد فقط مرز را دارند در شین آباد کار نیست؛ کارخانه نیست؛ به قول لقمان مردم فقط مرز

را دارند؛ می روند عراق و برمی گردند؛ تنها همین راه برای نان خوردن هست؛ برادرها و پدر لقمان هم کولبر هستند؛ همه خانواده کولبرند؛ اما در این چند ماه وضع

خرده ای گرفتند؛ در بیمارستان تخصصی که چشم راستم را عمل کردم، حدود هفده میلیون تومان پرداختم. هنوز هم تمام نشده؛ دکتر گفته اول تیر باید قرنیه چشم راستم را عمل کنم؛ عملی که حدود ده میلیون تومان هزینه دارد...»

لقمان وحید، بیمه تامین اجتماعی ندارد؛ فقط بیمه روستایی دارد؛ اما رفتن روی مین در هنگام کولبری در شرایطی که کروی و صورت سانحه ای تایید شده نباشد، مشمول هیچ پرداختی نمی شود؛ در کمیسیون ماده ۲ که در استانداردها برگزار می شود، هیچ چیز به او تعلق نگرفته است؛ نه غرامتی و نه حتی هزینه بیمارستانی....

نیمه شب در مرز پیرانشهر و انفجاری که ناگافل از ناکجا آباد سرمی رسد، فرصتی برای صورت برداری ماموران رسمی و تایید رسمی حادثه باقی نمی گذارد؛ مردم می آیند و مصدوم را به بیمارستان می برند؛ هیچ کس از این مصیبت خبردار نمی شود؛ آب از آب تکان نمی خورد تا روزی که از بیمارستان مرخص می شود و متوجه می شود هیچ «حقی» ندارد؛ قرار نیست برای یک پا و یک چشم، ریالی خسارت به او بپردازند.

این چند ده میلیون هزینه ای درمان برای یک کولبر، پول کمی نیست؛ چطور این هزینه ها را پرداختی؟ چه کسی کمک کرد؟ از کجا آوردی؟

«ساختمان داشتم؛ سرپناه بچه هایم؛ فروختم؛ مجبور شدم بفروشم؛ تقریباً هفتاد میلیون فروختم؛ خودم را بی خانه کردم؛ خانواده ام را آواره کردم تا هزینه های درمان را بپردازم؛ البته درمان که نه؛ هزینه های قطع پا و عمل چشمی که همچنان نابیناست و باز هم باید زیر تیغ برود...»

منبع در آمدم: هیچ...

لقمان از همان ابتدای جوانی کولبر بوده؛ پادش نمی آید از چه زمان، اما خیلی سال است که کولبری می کند؛ تا حالا که سی و

می رفتم کولبری؛ چرا می گویند غیرقانونی، «رد مرز» کرده ای؟ گناه من چیست که گناه من چیست که باید یک پا و یک چشمم را بدهم، سرپناه فرزندانم را شد...»

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!